

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

والنتین کاتاسونوف \* (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شبیری

۲۴ اگست ۲۰۱۳

## مبادله وامهای معوقه، یا تسلیحات مالی کشتار جمعی

مبادله وامهای معوقه - بمب تخریبی آرام

در ماه جولای سال ۲۰۱۳ اتحادیه اروپا بانکهای بزرگ جهان را به شرکت در توطئه عمدی و پیشگیری از هر اقدامی در تنظیم بازار به اصطلاح مبادله وامهای معوقه متهم کرد. مبادله وامهای معوقه عبارت است از انواع مشتقات قراردادهای مالی، که وام دهندگان را به کاهش یا رفع کامل خطر ورشکستگی بانکها به واسطه وام گیرندگان در نتیجه دریافت هر نوع وام، اوراق قرضه و دیگر استقراضها مجاز می سازد.

مبادله وامهای معوقه را بانک جی پی مورگان در سالهای ۱۹۹۰ به جریان انداخت. ابزار معاوضه وامهای معوقه فوراً به همان سرنوشتی دچار شد، که همه ابزار مالی به آن گرفتار شدند. استفاده از وجوه بیمه مخاطرات اقتصاد واقعی، مبادله وامهای معوقه را به اسباب بازی محبوب دلالت مالی تبدیل کرد. سایر شرکت کنندگان بازار نیز به تدریج به این بازی جلب شدند. در نتیجه پایانی، آن دسته از بانکها و شرکتهای مالی که به طور کلی هیچ ارتباطی با هیچ یک از طرفهای این یا آن معاملات اعتباری نداشتند، به انتشار این نوع مشتقات دست زدند. در سال ۲۰۰۷، کمی پیش از آغاز دوره فعال بحران مالی جهانی، حجم بازار مبادله وامهای معوقه از ۶۰ تریلیون دالر فراتر رفت. حجم کل تولید ابزارهای مالی در همان زمان به ۱۲۰ تریلیون دالر بالغ گردید، که آنهم تقریباً بیش از ۲۰ برابر درآمد ناخالص جهانی بود. به عقیده بسیاری از کارشناسان، واقعاً هم فروپاشی بازار ابزارهای مالی باعث شروع بحران مالی جهانی گردید. اگر چه سهم معاملات وامهای معوقه در بازار همه مشتقات، بیش از ۵ درصد نبود، اما این ابزار در آماده سازی زمینه بحران سال ۲۰۰۸ نقش فوق العاده ایفاء کرد. جورج سورس در ماه اپریل سال ۲۰۰۸ نوشت: «این بازار (مبادله وامهای معوقه) به طور کلی تنظیم نمی شود، دارندگان قراردادها به صورت کاملاً بی سابقه ای با آن مواجه هستند، که قراردادهای آنها تا چه حد تضمین شده است. این شمشیر داموکلس ها آماده است به محض این که ورشکستگی آغاز شود، فرود آید».

امیدواری بسیاری از بازیکنان بازار (دلالتان) به یک «چوب جادو» به نام مبادله وامهای معوقه، باعث تشدید خشم سوداگران دلالتان بازار مالی گردید و آنها را به بستن قراردادهای هر چه مخاطره آمیزتر تحریک نمود. به این امر، هنگامی که «تجزیه و تحلیل پروازها» در جریان خیزش موج اول بحران انجام شد، هم تنظیم کنندگان مالی، هم کارشناسان مستقل، هم شرکت کنندگان اجلاسهای بین المللی اعتراف کردند. آلن گرینسپن، رئیس بانک فدرال

رزرو، سوداگری را حتا در سالهای ۹۰ به کمک مبادله وامهای معوقه توسعه داد و پس از شروع بحران، دولت امریکا به حساب وجوه بودجه، تدابیر گزینشی برای نجات بازیگران به خشم آمده وال استریت اتخاذ کرد. بانک «بیر استرنز»، پنجمین بانک امریکائی به لحاظ بزرگی خود، در ماه مارچ ۲۰۰۸ به مبلغ سمبولیک فروخته شد. این بانک عملاً به دلیل انجام معاملات وامهای معوقه ورشکست شد. وزنه بدهی در قبال مبادله وامهای معوقه، بانک لمن برادرز را به عمق فروکشید (دولت از حمایت مستقیم یا غیرمستقیم آن خودداری کرد). ورشکستگی این بانک نیز شروع مرحله فعال بحران مالی محسوب می شود. دولت امریکا مجبور شد کمپانی بیمه AIG را به خاطر انتشار جایگزینهای اعتباری به مبلغ ۴۰۰ میلیارد دلار به فوریت نجات دهد. حجم غیرقابل وصول بیمه گر بر اساس مبادله وامهای معوقه فقط در سه ماهه چهارم سال ۲۰۰۸ به ۱۱ میلیارد دلار رسید. کمپانی بیمه AIG تنها به کمک پولهای دولت موفق شد مبلغ ۲۲ / ۴ میلیارد دلار به بانکهای که جایگزین وامهای معوقه را از آن خریده بودند، بپردازد. عملاً همه بانکهای وال استریت در عین حال مطالبات و بدهی های بزرگی بر اساس ابزار مبادله وامهای معوقه داشتند، اما بدهی برخی از بانکها (جی پی مورگان، AIG، لمن برادرز و سایرین) بیش از مطالبات آنها بود. امریکا به کمک بدهکار عمده - بانک جی پی مورگان شتافت. نیکوکاران واشنگتنی از این بانک نه به طور مستقیم، بلکه، از راه نجات آن بانکها و شرکتی که از بانک جی پی مورگان اسباب بازیهای مالی مبادله وامهای معوقه را خریده بودند، به صورت غیرمستقیم حمایت کردند. برای آن که همه دارندگان معاوضات وامهای معوقه بتوانند «رضایت» صد در صد بگیرند، لازم بود نکول پرداختهای بزرگترین بانکهای امریکا و در عین حال، اروپا را اعلام نمایند. ممکن بود به موجودیت وال استریت، لندن سیتی و سایر مراکز بانکی جهانی یک شبه نقطه پایان گذاشته شود... وارن بافت (Warren Buffett) هنوز قبل از شروع بحران، همه ابزارهای مشتقاتی را بدرستی «تسلیمات مالی کشتار جمعی» نامید. فقط تزریق پولهای هنگفت از وجوه بودجه دولتی و بانکهای مرکزی، نظام مالی- بانکی را نجات داد. در نهایت، توسعه خارج از کنترل بازار مبادله وامهای معوقه موجب افزایش ناگهانی بدهی های دولتی امریکا، انگلیس و سایر کشورهای اتحادیه اروپا گردید. این عامل، به آتش بحران بدهی در اتحادیه اروپا، که تا کنون مورد حمایت قرار نگرفته است، دامن زد. «بمب» مبادله وامهای معوقه منفجر شد، اما ترس هنوز به قوت خود باقیست.

### بازار مبادله وامهای معوقه: تلاش برای «مین روبی»

بانکها همراه با تنظیم کنندگان و سازمانهای مالی بین المللی، بدون هیچ هیاهوی خاصی در رسانه های جمعی تدابیری برای «مین روبی» بازار مبادله وامهای معوقه اتخاذ نمودند. در سال ۲۰۰۹ در امریکا و اروپا برخی قدمها برای سیستماتیزه و استاندارد کردن تجارت مبادله وامهای معوقه برداشته شد. رسمیت یافتن قانون داد- فرانک (Dodd- Frank) از ۱۵ جولای ۲۰۱۱ در امریکا (این قانون را حتا قانون اصلاح وال استریت و حمایت از مصرف کننده نیز مینامد)، گزارشات حسابرسی بانکها در باره معامله با معادل وامهای معوقه را به موازات همه در نظر می گیرد. این اقدام تا حدودی مخاطرات بحرانا را کاهش می دهد، هر چند متخصصان پیچیدگی ارزیابی خطرات بر اساس ابزار مبادله وامهای معوقه را مورد توجه قرار می دهند، تعمق تنظیم کنندگان در نقش پیچیده معامله با این ابزارها غیرممکن است.

بدون در نظر گرفتن مبادله وامهای معوقه، درک برخی حوادث حیات اقتصادی و سیاسی سالهای اخیر دشوار است. به عنوان مثال، حوادث یونان را در نظر بگیریم. به خصوص علاوه بر این کشور، در سایر کشورهای اروپائی و

خارج از اروپا، شاخص بدهی های دولتی، بدهی خارجی، کسری بودجه و غیره چندان بهتر از یونان نیست. با این حال، این واقعیت که یونان وامهای سخاوتمندانه از گلدمن ساکس و یکسری بانکهای اروپائی گرفته، اما بانکهای برجسته وال استریت و لندن سیتی با کمک «چوب جادوی» مبادله وامهای معوقه، خطرات خود را در مقابل این وامها بیمه کرده اند. اگر زمانی یونان نکول بدهی های خود را اعلام نماید، آنوقت وام دهندگان به یونان می توانند «رضایت» همان بانکهایی را که همین مبادله وامهای معوقه را به آنها فروخته اند، جلب نمایند (احتمالاً، بانکهای جی پی مورگان، مورگان استنلی و از نوع آنها). توجه کنیم، که با چه صبر و پشتکار قابل تحسینی «تروپیکای پر آوازه» (صندوق بین المللی پول، بانک مرکزی اروپا و کمیسیون اروپا) کوشش کرد و می کند تا با دستکاری بدهی یونان شکل معقول و منطقی به آن بدهد. آنها اصرار دارند، که اقدام برای برون رفت یونان از بحران را «تجدید ساختار بدهی» بنامند، چرا که اگر آن را نکول بنامند (خلاف عقیده بسیاری از سرمایه گذاران و آنچه که هست)، در این صورت مکانیزم پرداخت مبادله وامهای معوقه به کار می افتد. صحبت از دهها میلیارد یوروئی در میان است که قادر است بسیاری از بانکهای امریکائی و اروپائی را از پا درآورد.

اگر در سال ۲۰۰۷ حجم کل بازار مبادله وامهای معوقه حداکثر به ۶۲ تریلیون و ۲ میلیارد دالر بالغ شد، فروپاشی مالی ناشی از آن به کاهش شدید حجم بازار منجر گردید. به تریبیتی که در سال ۲۰۱۰ حجم کل معاملات به کمتر از نیمی از میزان تا شروع بحران، یعنی به ۲۶ تریلیون و ۳ میلیارد کاهش یافت. بر اساس گزارشات سال ۲۰۱۲، حجم آن تا سطح ۲۵ تریلیون و ۵ میلیارد دالر ادامه یافت. بانک امریکائی جی پی مورگان همچنان به عنوان بازیگر پیشرو در بازار این ابزار مالی، به ایفای نقش مشغول است و حجم معاملات وامهای معوقه در سبد سرمایه گذاری آن شامل ۵ تریلیون و ۷ میلیارد دالر می باشد. مورگان استنلی، یکی دیگر از غولهای وال استریت با ۴ تریلیون و ۹ میلیارد دالر در جایگاه دوم ایستاده است. تحقیقات آغاز شده در باره مبادله وامهای معوقه در اتحادیه اروپا احتمالاً موجبات کاهش این بازار را فراهم آورد.

### رسوایی بانکی: معاوضه وامهای معوقه به مثابه ابزار حقه بازی

قابل توجه است، که قراردادهای مبادله وامهای معوقه، ابزارهای فرابورسی بودند. این بدان معنی است، که آنها بین دو طرف به طور خصوصی بسته شدند و در بازارهای بورس مورد داد و ستد قرار نگرفتند، به عبارت دیگر، از میدان دید و کنترل تنظیم کنندگان مالی خارج شدند. کمپانیهای بورسی پیشرو سعی کردند به این بخش بازار مالی جهانی دسترسی پیدا کنند. بانکها به آن متهم می شوند، که سعی کردند با جلوگیری از ورود مبادله وامهای معوقه به میادین باز مالی، بازار آنها را تا «حداکثر بسته» نگهدارند. کمپانیهای بورسی «دویچه بورسه» و «شیکاگو مرکانتایل اکسچینج» به یکسری اقداماتی به منظور راه اندازی میادین رسمی برای معاملات وامی و تجارت مشتقات دست زدند. برای شروع روند تجارت مشتقات اعتباری، بازارهای بورس باید جواز انتشار اطلاعات و ایجاد شاخصهای عمده مشتقات می گرفتند. اما مؤسسات مالی مبادله بین المللی و انجمن مشتقات و مارکیت (Markit)، که خواستار اخذ مجوز بودند، تحت کنترل محفل کوچک بانکی تاجران مبادله وامهای معوقه قرار داشتند. آنها از دادن مجوز به بازارهای بورس خودداری کردند.

بر اساس گزارش رسمی منتشره از سوی کمیسیون اروپا، تنظیم کنندگان مالی ۱۳ بانک و دو مؤسسه بزرگ را به توطئه کارتلی متهم می کنند. بانکهای گلدمن ساکس، مورگان استنلی، BNP پاریباس، بانک المان، HSBC، UBS، سیتی گروپ، بارکلیس، جی پی مورگان، بیر استرنز، بانک امریکا مريل لينچ، رويال بانک اسکاتلند و کردیت

سویس بانکهای متهم هستند. علاوه بر آن، کمیسیون اروپا همچنین انجمن بین المللی معاملات و مشتقات (ISDA) و یکی از بزرگترین کمپانی های ارائه دهنده خدمات اطلاعات مالی جهان، مارکیت را به همدستی با بانکها متهم می سازد.

دستکاری شریانه بانکهای وال استریت با مبادله وامهای معوقه، در سال ۲۰۰۹ توجه وزارت دادگستری امریکا را به خود جلب کرد. تحقیقات از بانکها، بازیگران اصلی بازار این ابزار مالی و همچنین، از کمپانی مارکیت شروع شد. آخری، ارائه دهنده اصلی اطلاعات به بانکهای وال استریت می باشد. حدت شرایط عبارت از این است، که جی پی مورگان بزرگترین سهامدار مارکیت به حساب می آید (با ۱۲ درصد سهام). سایر سهامداران عبارتند از بانک امریکا، رؤیال بانک اسکاتلند و گلدمن ساکس. وزارت دادگستری امریکا تردید دارد، که سهامداران مارکیت توانسته باشند از مزایای غیربازاری در بازار مبادله وامهای معوقه، در عین حال در بازار سازندگان بازار برخوردار شده و برای دسترسی به اطلاعات بازار، دارای توانائی زیادی بوده باشند. مارکیت از هر گونه توضیح در مورد تحقیقات به عمل آمده از سوی دولت امریکا خودداری کرد.

در ماه اپریل سال ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا همچنین تحقیقات درباره فعالیت ۱۶ بانک بزرگ در بازار مبادله وامهای معوقه را آغاز کرد. اتهامات دایر بر این که معامله وامهای معوقه هنگام بحران سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۹ چهره منفی از خود نشان داد و این که بانکها در مورد نتیجه گیری، نقل و انتقال بانکی و ارائه اطلاعات مربوط به مبادله وامهای معوقه، سیاست غیررقابتی در پیش گرفتند، موجب شروع تحقیقات گردیدند. پس از این، پرتوافکنی به این تحقیقات در رسانه های جمعی متوقف شد و به مدت ۲ سال و ۳ ماه ادامه یافت. آیا مدت زیادی نیست؟ آیا واقعاً تحقیقات به عمل آمد؟ آیا احتمال دارد در جهان پشت صحنه مالی برای فشردن بر روی پدال ترمز تصمیم گرفته شده باشد؟ آیا در مدت زمان سپری شده هیچ تغییری در آرایش نیروها به وجود آمد و کسی به فعال کردن بمب تخریبی آرام تحت عنوان مبادله وامهای معوقه نیاز داشته است؟

\*\*\*

### سؤال مترجم

خوب، این هم از این! بارهای طی افزوده ها به برخی مقالات، از احزاب، سازمانها، گروهها، افراد و شخصیتهای سیاسی مستقل، به ویژه، از اقتصاددانان خواستم پاسخ این سؤال را بدهند: بدون تبیین، تعریف و ارائه یک تصویر واقعی از نظام مالی- اقتصادی کنونی جهان، چگونه می توانند از اقتصاد سالم صحبت بکنند؛ برنامه های اقتصادی برای ارتقاء سطح زندگی توده های محروم و برای مبارزه با تورم و گرانیهای روزافزون کالاها، تدوین، تنظیم و ارائه دهند؟ اگر چه هنوز منتظر پاسخ هستم، اما بعید نیست، سکوت بسیاریها در مقابل این پرسش، با موقعیت طبقاتی و منافع گروهی یا شخصی آنها رابطه مستقیم داشته باشد.

حالا، همین سؤال را در مقابل دولت به اصطلاح «تغییر و امید» آقای دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور جدید ایران مطرح می کنم، که کار خود را با حمله به حقوق زنان (کاهش مرخصی بعد از زایمان زنان از ۹ ماه به ۶ ماه و لغو مرخصی تشویقی پدران) آغاز کرد. انتظار می رود این دولت و یا طرفداران و حامیان آن به طرز صریح و روشن اعلام نمایند، که با وجود سلطه جهانی نظام تک ارزی (دالر بی پشتوانه) و نظام مالی- اقتصادی مبتنی بر سرقت مسلحانه دارائی کشورها توسط قدرتهای امپریالیستی غرب و فریبکاری و قماربازیهای بانکها و بازارهای بورس، چه راه کارهائی را برای مقابله با تحریمهای زورمدارانه و تعدیل و کاهش شاخص تورم و جلوگیری از افزایش دائمی هزینه زندگی توده های مردم می توانند نشان داده و به کار ببندند.

پروفسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه

به نام «سرگئی فیودورویچ شارایوف»

مأخذ:

<http://www.fondsk.ru/news/2013/08/16/cds-ili-finansovoe-oruzhie-massovogo-porazhenija-22195.html>

۳۱ مرداد- اسد ۱۳۹۲